

بررسی عنصر زمان و بینامتنی روایی در رمان بامداد خمار و داستان لیلی و مجنون با تأکید بر نظریه ژرار ژنت

چکیده

عنصر زمان یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی است که به فراخور نوع رمان می‌تواند ساده، تقویمی و یا پیچیده و دچار بی‌نظمی باشد. نظریه ژرار ژنت یکی از کاربردی‌ترین روش‌ها برای بررسی و تحلیل زمان روایت رمان‌های مدرن است. ژنت در نظریه خود سعی دارد تا با پرسش از موقعیت زمانی راوی، نسبت به رخ داده‌های داستان به روایت‌گیر کمک کند تا پیکره روایتی را که راوی (نویسنده) از داستان ارائه کرده است، دریابد. پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. پس از بررسی مشخص شد برخی از مؤلفه‌های این نظریه از جمله زاویه دید، تداوم، بسامد مکرر در رمان بامداد خمار بررسی شد. این رمان در زاویه دید و بسامد با نظریه ژرار ژنت منطبق است. داستان لیلی و مجنون از داستان‌های کهن زبان فارسی است، عنصر زمان و بینامتنی روایی در این داستان مشهود است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عنصر زمان در رمان بامداد خمار با تأکید بر نظریه ژرار ژنت.
۲. بررسی عنصر زمان و روایی بینامتنی در داستان لیلی و مجنون.

سوالات پژوهش:

۱. عنصر زمان در رمان بامداد خمار با تأکید بر نظریه ژرار ژنت چگونه قابل ارزیابی است؟
 ۲. عنصر زمان و روایی بینامتنی در داستان لیلی و مجنون چه نقش دارد؟
- کلیدواژه‌ها:** رمان بامداد خمار، فتانه سیدجوادی، ژرار ژنت، عنصر زمان، روایت.

مقدمه

هر داستان از عناصری تشکیل می‌شود که این عناصر به‌منزلهٔ پیکره و ساختار آن داستان محسوب می‌شوند. هر کدام از عناصر داستانی نقشی در پیشبرد داستان ایفا می‌کنند؛ در صورتی که ارتباط میان این عناصر به‌صورت منطقی و هوشمندانه برقرار شود، داستانی یک‌دست و تأثیرگذار را شاهد خواهیم بود. زمان یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی است که می‌تواند مانند رمان‌های کلاسیک ساده و تقویمی باشد یا اینکه همانند داستان‌های مدرن، پیچیده و دچار بی‌نظمی. زمان در داستان بر چهارگونه است: ۱. زمان تقویمی (ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، ماه و...)؛ ۲- زمان کیهانی (زمان‌های وسیع و گسترده مربوط به مقاطع مختلف آفرینش و سیر جهان)؛ ۳- زمان حسی (تیک‌تاک‌های نامساوی و ذهن و حافظه)؛ ۴- زمان روایت زمانی که در داستان می‌گذرد و تابع قواعد داستان است.

پیچیدگی زمان در داستان باعث شده تا پژوهشگران حوزه نقد ادبیات داستانی برای تبیین انگیزه‌های نویسندگان، به نظریه‌پردازی در این زمینه روی آورند و به‌زعم خود سعی در رمزگشایی و ساختارمند کردن پیچیدگی زمان در داستان داشته باشند. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های موجود در مورد زمان روایت در رمان، نظریه ژرار ژنت است که زمان روایت را بر مبنای برخی مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار داده و سعی در ساختارمند کردن زمان روایت داشته است؛ ژرار ژنت، ساختارگرا و نظریه‌پرداز بنام فرانسوی ژرار ژنت در سال ۱۹۳۸م. در فرانسه به دنیا آمد. وی پس از تألیف سه مجلد کتاب «مجازها» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پژوهشگران بررسی ساختاری متن شناخته شد. ژرار ژنت که یکی از اثرگذارترین پژوهشگران در عرصهٔ نظریه روایت محسوب می‌شود، در کتاب گفتمان روایی، استراتژی‌های روایی اثر مارسل پروست به‌نام «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» را کالبد شکافی می‌کند و اثر پروست منبع اصلی پژوهش‌های ژنت بوده است.

رمان «بامداد خمار» نوشته فتانه سدجویی یکی از موفق‌ترین تجربیات داستان‌نویسی زنان در دهه اخیر است؛ این رمان زندگی دختری پانزده‌ساله به‌نام مجبویه را به تصویر می‌کشد که نمونه‌ای از جدال سنت و مدرنیته در دوران معاصر ایران است. داستان لیلی و مجنون نیز از داستان‌های عاشقانه کهن زبان فارسی است که نسخ متعددی از این کتاب توسط هنرمندان ایرانی به تصویر کشیده شده است. در داستان بامداد خمار که یکی از ابعاد مهم آن بُعد عاشقانه است می‌توان وام‌گیری از داستان‌های عاشقانه‌ای چون لیلی و مجنون را مشاهده کرد. این مضامین در نگاره‌های این نسخ مصور مضمون عشق به شکل پرنگی ترسیم شده است.

جست‌وجو در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های داده‌های پژوهشی از جمله ایراندک، نورمگز، مگیران، اس آی دی و غیره نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه بررسی زمان در رمان «بامداد خمار» بر مبنای نظریه ژرار ژنت انجام نشده و این پژوهش نخستین گام در این مسیر است. البته در برخی تحقیقات اشاراتی به زمان به‌عنوان یکی از عناصر داستانی در رمان شده که در آن‌ها تنها به وقوع زمان حوادث رمان و کلیاتی در مورد زاویه دید آن پرداخته شده است. ستوده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل رمان بامداد خمار» به بررسی برخی از مهم‌ترین عناصر داستانی در این رمان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این اثر، مؤلفه‌هایی از رمان عاشقانه پرماجر، رمان رفتار و رسوم اجتماعی، رمان سرنوشت، رمان احساساتی و رمان حادثه را دارد. نقد روان‌شناختی اثر و تحلیل شخصیت‌ها و نوع عملکرد آن‌ها اثبات می‌کند که این داستان، نقش خانواده را به‌عنوان مهم‌ترین و اولین الگو در نوع رفتارها و

عکس‌العمل‌های فرد به‌خوبی نشان می‌دهد. هم‌چنین بررسی رفتار شخصیت‌های این داستان، نقش انگیزه افراد را در نوع رفتار و کنش‌های آن‌ها نشان می‌دهد. این اثر مؤلفه‌هایی از مکتب رئالیسم و نهضت رمانتیسیم را داراست.

ظفری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازتاب مؤلفه‌های مدرنیسم در رمان‌های (کولی کنار آتش، بامداد خمار، زنان بدون مردان)» به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های مدرن همچون چندصدایی، داستان و روایت‌های منفصل، پریشان‌گویی راوی، تغییر در شخصیت‌پردازی و مواردی از این قبیل در هر سه رمان دیده می‌شود. علاوه بر این، ناقدان بسیاری به نقد رمان بامداد خمار پرداخته‌اند. اما اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به این اثر تنها در حکم یک نوشته جذاب و سرگرم‌کننده پرداخته‌اند؛ بر همین اساس، تنها به‌دنبال توضیح دلایل فنی و ادبی جذابیت، و گاهی عدم موفقیت این رمان فارغ از اهمیت آن در حکم یک متن و تولید فرهنگی بوده‌اند. این رمان پیش از آن‌که داستانی رمانتیک باشد، روایتی است دربارهٔ روابط قدرت در جامعه ایرانی از دوران سنتی تا دوران مدرن. «محمد بهارلو» در یکی از اولین نقدهای نوشته شده بر رمان بامداد خمار، موفقیت آن را در حفظ حالت تعلیق «شهرزادگونه» در طول داستان عنصر اصلی موفقیت‌اش برمی‌شمرد و بر موفقیت نویسنده در فضاسازی مناسب و استفاده از زبان ساده و سرراست و بیان صریح و مستقیم نویسنده تأکید می‌کند (بهارلو، ۱۳۷۵: ۵۰). بهمن بازرگانی هم در مقاله‌ای دلیل اصلی موفقیت این اثر را موفقیت در خلق نثر زنانه و جذاب در برابر نثر مردانه حاکم بر نوشته‌های اغلب زنان می‌داند. وی معتقد است که به‌کار گرفتن این نثر، نوعی اعتراض و رهایی از «سلطه و سیاست کهنه مردسالارانه» است (بازرگانی، ۱۳۷۵: ۵۲) اما این موضوع را فقط به سبک نثر اثر محدود می‌کند و از آن فراتر نمی‌رود. در ادامه بازرگانی هم بر فضاسازی موفق دست کم در بخش اول داستان تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زمان در رمان «بامداد خمار» بر مبنای تقویم و گاه‌شماری است و بعضاً فلش‌بک‌هایی که در رمان دیده می‌شود، باعث کمی پیچیدگی و بی‌نظمی در روایت می‌شوند اما این بی‌نظمی آنقدر محسوس نیست که طرح و پیرنگ رمان را دچار خلل کند. برخی از مؤلفه‌های نظریه ژنر ژنت در این رمان دیده می‌شود و زمان رمان بر مبنای نظریه ژنت قابل بررسی است؛ از جمله، زاویه دید رمان که از نوع اول شخص است، بر مبنای روایت «تک‌آوایی» ژنر ژنت قابل بررسی است که در آن تمامی وقایع از زبان راوی اول شخص روایت می‌شوند. در این رمان با «پرش زمانی» روبه‌رو می‌شویم؛ به طوری که نویسنده با فلش‌بک‌هایی به گذشته، سعی در شناساندن بیش از پیش شخصیت‌ها و ایجاد تعلیق در رمان دارد. تداوم نیز از مؤلفه‌های نظریه ژنت است که شامل شتاب منفی و مثبت در گسترهٔ زمانی رمان است که در این رمان هر دو نوع آن یعنی شتاب مثبت و منفی دیده می‌شود. بسامد یا تکرار نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های روایت از نظر ژنت است که در این رمان بسامد مکرر و بازگو بیشتر دیده می‌شود و بسامد مفرد نیز ویژگی عادی کل رمان‌هاست. حوادث رمان نیز به تبعیت از زمان تقویمی رمان و به‌صورت منظم و براساس روابط علی و معلولی آورده شده است و هیچ حادثه‌ای بدون پشتوانه رابطهٔ علیت در رمان دیده نمی‌شود. در مجموع، ویژگی‌های نظریه ژنت همانند زاویه دید، بسامد، تداوم و... در این رمان قابل بررسی و رهگیری است اما با توجه به اینکه رمان «بامداد خمار» به دور از پیچیدگی‌های رمان‌های مدرن نوشته شده است، بنابراین برخی دیگر از مؤلفه‌های نظریه ژنت همچون گستره زمانی، حذف زمان، تلخیص و مواردی از این قبیل، در این رمان دیده نمی‌شود. بررسی سیر داستان لیلی و مجنون نیز حاکی از وجود تداوم و رابطهٔ علی است.

فهرست منابع و مآخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۹۱). ساختار و تأویل متن. چاپ چهاردهم، تهران: نشر مرکز.
- اخلاقی، اکبر. (۱۳۷۶). تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار. اصفهان: نشر فردا.
- بازرگانی، بهمن. (۱۳۷۵). «نگاهی به رمان بامداد خمار». مجله گلستان ادب، شماره ۲۰، ۴۶-۳۲.
- برتنس، یوهانس ویلم. (۱۳۸۳). مبانی نظریه ادبی. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ سوم، تهران: نشر ماهی.
- بهارلو، محمد. (۱۳۷۵). «انتظار ما و بامداد خمار». مجله دنیای سخن، شماره ۶۶، ۶-۱.
- بیشاب، لئونارد. (۱۳۷۱). «نوشتن رمانتان را به تأخیر نیندازید». ترجمه: محسن سلیمانی، ماهنامه ادبستان، ۴(۳۷)، ۳۸-۴۵.
- رنجبر، محمود. (۱۳۹۱). «بررسی ساختاری عنصر زمان براساس نظریه ژرار ژنت در نمونه‌ای از داستان کوتاه دفاع مقدس». نشریه ادبیات پایداری، ۳ (۵ و ۶)، ۱۰۴-۱۲۳.
- ذوالفقاری، محمود. (۱۳۸۱). شیوه‌های نقد ادبی در ایران. اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۳). روایت داستانی: بوطیقای معاصر. ترجمه: ابوالفضل حری، تهران: نشر نیلوفر.
- ژنت، ژرار. (۱۳۹۱). آرایه‌ها. ترجمه: آذین حسین‌زاده، تهران: نشر قطره حاج سیدجواد، فتنه. (۱۳۹۸). بامداد خمار. چاپ ششم، تهران: نشر نگاه.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۶). مکاتب ادبی. چاپ دهم، تهران: نشر نگاه.
- شریف آزاده، محمدرضا؛ تقدس‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون براساس نظیه بینامتنیت: مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۴، ۴۶-۲۹.
- عدالتی شاهی، شهرام. (۱۴۰۱). «بررسی عاشقانه‌ها در شعر فارسی و عربی (بررسی موردی: لیلی و مجنون نظامی)». نشریه نقد ادبی، شماره ۵۲، ۲۶۰-۲۴۷.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین و طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۶). «بررسی عنصر زمان در روایت با تأکید بر حکایت «اعرابی درویش». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱۶، ۱۸۵-۲۰۵.
- غلامرضایی، محمد؛ قربانی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل زمان روایی لیلی و مجنون نظامی براساس نظریه ژنت». کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۹، ۴۵-۹.
- گرین، کیت. (۱۳۸۳). درسنامه و نظریه و نقد ادبی. ویرایش دکتر حسین پاینده، تهران: نشر روزنگار.
- گلشیری، احمد. (۱۳۷۱). داستان و نقد داستان (گزیده و ترجمه). ۲جلدی، تهران: نشر نگاه.
- لاج، دیوید؛ ایان، وات. (۱۳۷۶). نظریه رمان. ترجمه: حسین پاینده، تهران: نشر نظر.
- مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه. چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

مظفری خواه، ملیحه؛ ذوالفقاری، حسن و قوام، ابوالقاسم. (۱۴۰۲). «مطالعه شخصیت‌پردازی در منظومه‌های لیلی و و مجنون و خسرو و شیرین امیرخسرو دهلوی و نامی اصفهانی با تأکید بر نظریه ساختارگرایی پراپ». سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی، شماره ۸۴، ۱۱۷-۹۵.

مکوئیلان، مارتین. (۱۳۸۸). نظم در روایت، گزیده مقالات روایت. ترجمه: فتاح محمدی، تهران: نشر مینوی خرد.

موام، سامرست. (۱۳۶۴). درباره رمان و داستان کوتاه. ترجمه: کاوه دهگان، تهران: نشر آگاه.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۰). ادبیات داستانی. چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه فرهنگی ماهور.

مندی‌پور، شهریار. (۱۳۸۴). ارواح شهرزاد. تهران: انتشارات ققنوس.

وکیلی، سیامک. (۱۳۷۸). «بامداد خمار و خماری ادبیات پیشرو». مجله ادبیات داستانی، شماره ۵۰، ۱.

هاجری، حسین. (۱۳۸۱). «نمود مدرنیسم در رمان فارسی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، ش ۵، ۱۶۷-۱۴۳.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۶۹). هنر داستان‌نویسی. چاپ چهارم، تهران: نشر سهروردی.

